

ادامه از صفحه ۱۴

چالش با مسوولان مداشت

■ حضور نیوشافبعی‌چطور؟

دو بار می‌خواست‌م با ایشان همکاری کنم که نشد. نسبت به این بازیگر سمپاتی داشتم و گر نه دوبرار این هم پول می‌گذاشتند باهم کار نمی‌کردیم. موقع کار شوخی ندارم. اعتبار ۴۰ ساله‌ام را به راحتی از دست نمی‌دهم. این نقش به ایشان می‌خورد، شاید اگر دو سه سال پیش بود از نظر سنی بهتر هم در می‌آمد اما در کل فکر کنم نقش ترمه در آمده است.

■ پس شما هم تغییر بازیگر داشتید و هم تغییر فیلم‌نامه. اختلافی هم بین آقای بهداد و عربتی‌ها هم پیش آمد، درست است؟
چقدر بر روند ساخت فیلم تاثیر داشت؟

وقتی دو نفر در روزنامه و تلویزیون با هم این طور حرف می‌زنند خیلی اتفاق خوبی نیست. بهداد خیلی از عربتی‌ها و حضورش آن اوایل خوشحال بود. می‌گفت که چقدر «والا» این فیلم خوب است. حتی می‌گفت چرا ما صحنه مشترک نداریم. خیلی دلم سوخت که چنین حس مثبتی به چنین اتفاقی تبدیل شد. وسط کار بدون هماهنگی با من یا تهیه‌کننده، بهداد به فیلم «جرم» رفت. خیلی کار غیرحرفه‌ای بود، باید با کسی از عوامل هماهنگ می‌شد. برنامه فیلمبرداری ما به‌هم خورد. اگر می‌گفتند، حتی شرایطی فراهم می‌کردم که حامد بهداد فیلم آقای کیمیایی را از دست ندهد. همه می‌دانند چه سمپاتی به آقای کیمیایی دارم. ما هم مدرسه‌ای بودیم. اصلا فیلم «قصیر» را دیدیم. دلم خواست فیلم بسازم. یک روز ما هر دو در یک خیابان فیلمبرداری داشتیم. آقای عربتی‌ها رفتند که به آقای کیمیایی ادای احترام کنند. ظاهرا یک شوخی می‌کنند که از همان جا این ماجرا اتفاق می‌افتد. دلخوری پیش می‌آید و ادامه پیدا می‌کند و بیشتر و بیشتر ماجرا کش پیدا می‌کند. یک بار هم می‌خواست‌م که ماجرا را حل کنم. نشد. نمی‌خواست‌م تبدیل به یک نفرت شود. یک دلگیری بوده نه دشمنی. حرف می‌زدیم. حل می‌شد اما خوب از حرف زدن فرار کردند.

■ پس این دعوا به نفع فیلم بود. چون یک صحنه داشتید و آن هم در گیربی دارد. خوشبختانه صحنه مشترک تا انتهای فیلم نداشتند. اصلا آن لحظه که داشتم این صحنه را می‌گرفتم. حالشان نسبت به هم بد بود. عربتی‌ها خیلی حرفه‌ای عمل می‌کرد. اصلا بازیگری است که پرنسپب حرفه‌ای دارد و کارش را خوب انجام می‌دهد. بهداد جوان‌تر و احساساتی‌تر بود. نمی‌خواست‌م سوءتفاهم کنم ولی از یک حرکتی گذشتم. قرار بود کمی در گیربی فیزیکال‌تر باشد اما گفتم با این حالی که دارند ممکن است واقعا بزنند سر و کله همدیگر را بشکنند. بعد هم دیدیم که چقدر حال‌شان بد بود.

■ در گیربی لفظی که این روزها در سینما عادی شده است؟

هیچ کس فکر نمی‌کند وقتی در جمع این حرف‌ها را به‌هم می‌زنیم در واقع آدمی خودمان را می‌بزم. فراموش می‌کنیم همه چیز یک خانواده هستیم. خیلی از همکاران ما متوجه نیستند، خیلی راحت همدیگر را تخریب می‌کنیم. از منتقدها هم این درخواست دارم، ما که حداقل در خانه سینما همه با هم هستیم. حالا یک نفر فیلمش خوب نیست اینقدر نکوبید. این فیلمساز گذشت‌های ما داشته است. به هر دلیل این فیلم آخرش خوب نشده است. وقتی منتقدی یک فیلمساز را می‌گوید، همه گذشت‌هاش را نادیده می‌گیرد و همه چیز را بر مبنای فیلم آخرش می‌بیند و او را دلسرد می‌کند. به سمت فیلم بدتر سوق می‌دهید. حداقل جلوی یک جریانی باید کنار هم باشیم؛ جلوی ممیزی، جلوی تحمیلاتی خارج از ارشاد. ■ حالا به نظر شما برای فیلمساز توقیف‌شدن فیلم سخت‌تر است یا دیده‌نشدن فیلم از طرف تماشاگر؟

توقیف، تماشاگر حق دارد که فیلم را دوست نداشته باشد. اما مدیر دولتی حق ندارد جلوی فیلمی که مجوزش را داده است، بگیرد. توقیف اثر هنری بی‌معنات. توقیف یعنی جلوی سرمایه‌ها را مسدود کردن، کار حداقل یک تیم ۲۰ نفره را نادیده گرفتن. فیلمسازهای ما بعد از این همه سال به ریشی رسیدند که خوب و بد جامعه را به‌د یادداشت. تماشاگر همیشه بابت بلبلی که می‌خرد و وقتی که می‌گذارد، حق دارد.

■ برتقال خوبی بجای کارنامه‌تان قرار دارد؟

ببینم. من این فیلم را کنار دست‌های اوّده و مزاحم می‌گذارم. کنار چهره و یک بار برای همیشه قرار نمی‌دهم. ■ این فیلم را ساختید که کارگردانی بدان‌تان نرود؟ در تلویزیون مشغول ساختن سریال بودم، پس مشغول کارگردانی بودم. علیرضا سجادیور برای ساختن این فیلم یک سمپاتی را در من ایجاد کرد که زمینه برای ساختن فیلم خودم وجود دارد. یعنی این طور می‌گفت که همیشه فکر برای فیلمی مثل «یک بار برای همیشه» فراهم است. اگر پول خوبی داشتم، می‌توانستم بگیرم می‌خواهم فیلمی دور از تماشاگر بسازم، این مقدار هم پول دارم یک نفر هم نباید کمک. اصلا چنین کسی وجود ندارد.

■ چنین سرمایه‌ای ندارید؟

انگار قرار نبوده که ما در سینما پولدار شویم. در حالی که فیلم‌های من خیلی‌ها را پولدار کرده است. من اگر من‌حصرد در فریاد زیر آب سهم داشتم خیلی کارهای‌م شد. کرد. ناشکری نمی‌کنم. مولای ما یک جمله دارد. در اوایل عقد آن را نمی‌دانستیم: «بالا‌ترین تفریح کار است». اگر کارت را دوست‌دشته باشی از هیچ چیز به اندازه کارت لذت نمی‌بری. در فیلم «یک بار برای همیشه» از کار خیلی لذت می‌بردم. همه گروه از آن لذت می‌بردند. این در داخل فیلم کاملا منعکس می‌شد. در کنار خاتم معتمدار یا مرحوم خسرو شکیبایی. اصلا اجازه نمی‌دادند من فیلم بد بسازم چون این روحیه در ما قوی بود. تهیه‌کننده هر چیزی که ما می‌خواستیم برایمان فراهم می‌کرد، دخالتی نمی‌کرد. دو ماه با این دو بازیگر تمرین می‌کردم. الان کسی نمی‌تواند بازیگر را برای تمرین بباورد، مدام پول اضافه می‌خواهند. تا اینکه ما یک فیلم خوب ساختیم که در تاریخ سینما ماند. هیچ وقت دیگر برای من چنین موقعیتی تکرار نشد.

نقد



مژده دقیقی

مترجم

اصل، یک بام و دو هواست

مسوول نظارت بر کتاب‌ها هستند فردا روز هم بر سر کار خود هستند یا خیر؟ و منی که فردا کتابم قرار است برای بررسی فرستاده شود توسط چه کسانی بررسی می‌شود و چه کسی مسوول نظارت خواهد بود. نمی‌دانم دیدد این افراد در طول زمان چه تغییراتی کرده است؟ در ممیزی کتاب اصل یک بام و دو هوا حاکم است.

اگر از ناشران هم سوال شود خطرقرم‌ها را نمی‌دانند. خطرقرم‌ها در طول زمان، در بین افراد مختلف، ناشران یا حتی مترجم‌ها متفاوت است. گاهی از در دروازه رد نمی‌شوند و گاهی از سر سوزن هم رد می‌شوند. کارشناسان مختلفی مشغول کار هستند و آنها براساس تشخیص، فرهنگ، تحصیلات و حتی سلیقه خود دست به ممیزی کتاب‌ها می‌زنند. زمانی که با اندیشه و هنر روبه‌رو هستیم پای سلیقه افراد مطرح است و به تشخیص یک نفر کتابی مضر و کتابی مفید تشخیص داده می‌شود.

بودجه یک‌دهم درصد برای خرید آثار هنری از سوی ارگان‌های دولتی به نصف کاهش می‌یابد. این خبر هر چند روز گذشته از زبان معاون هنری وزارت ارشاد و در حاشیه اکسپوزی سفال اعلام شد، اما به معنای آن است که مسوولان هنری از این به بعد نیمی از حمایت‌های دولتی را برای خرید آثار از هنرمندان از دستست می‌دهند و نیم دیگر این بودجه صرف خرید محصولات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری از قبیل سفال و سرامیک و کارهای دستی خواهد شد. حمید شاه‌آبادی معاون امور هنری وزارت ارشاد با اشاره به تقسیم این بودجه برای هزینه در دو بخش هنرهای تجسمی و میراث فرهنگی و صنایع دستی گفته اگرچه با تقسیم این بودجه در دو حوزه میراث و صنایع دستی و هنرهای تجسمی راضی نیست اما به هر حال سهم هر دو حوزه در آیین‌نامه مشخص شد و ماه آینده ابلاغ خواهد شد. وی تاکید کرده اجرایی شدن این قانون در عرض هفت ماه مسیری است که در طول پنج سال قبل برای اجرایی شدن آن طی نشده بود. او البته به نصف شدن سهم هنرمندان از خرید آثار هنری اشاره دیگری نکرده است.

افجای: بی‌رحمی است

صحبت‌های معاون هنری وزیر ارشاد اعتراض‌ها و مخالفت‌های اهالی هنر را در بر داشته و به نظر می‌رسد این اعتراض‌ها بیشتر خواهد شد. نصرالله افجایی از هنرمندان پیشکسوت در عرصه نقاشی خط در این‌باره به خبرنگار شرق می‌گوید: «به نظر من اگر این خبر صحت داشته باشد، بی‌رحمی نسبت به هنرمندان است. ما دلخوش همان یک‌دهم درصد بودیم و حالا می‌شویم که این میزان بودجه نصف شده است. این در حالی است که همان یک‌دهم درصد هنوز به هنرمندان تخصیص نیافته است.» به اعتقاد

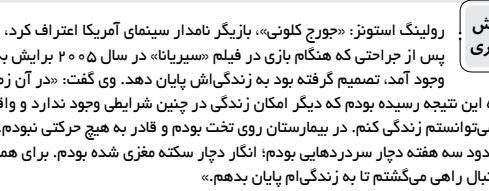


گرافیسٔ سویسی در بزر گذاشت سویسی

شرق: بنیاد زده‌های مرتضی ممیز در ششمین سال گنشته‌های ما داشته است. به هر دلیل این فیلم آخرش خوب نشده است. وقتی منتقدی یک فیلمساز را می‌گوید، همه گذشت‌هاش را نادیده می‌گیرد و همه چیز را بر مبنای فیلم آخرش می‌بیند و او را دلسرد می‌کند. به سمت فیلم بدتر سوق می‌دهید. حداقل جلوی یک جریانی باید کنار هم باشیم؛ جلوی ممیزی، جلوی تحمیلاتی خارج از ارشاد. ■ حالا به نظر شما برای فیلمساز توقیف‌شدن فیلم سخت‌تر است یا دیده‌نشدن فیلم از طرف تماشاگر؟

براد پیت هم به وال‌استریت رسید

فایننشال تایمز: «براد پیت» این روزها به همراه آنجلینا جولی و شش فرزندش در افتتاحیه آخرین فیلمش، «باتل» در ژاپن، ضمن اعلام حمایت از قیام وال‌ال‌استریت گفت: سیستم سرمایه‌داری در آمریکا با نقایض زیاد خود باعث سرخوردگی مردم شده است. جنبش اعتراضی مردم آمریکا مرسوم به وال‌ال‌استریت که از یک ماه پیش در قلب اقتصاد این کشور آغاز شده است، تاکنون ستارگان و چهره‌های فرهنگی و هنری بسیاری را با خود همراه کرده است. هنرمندان زیادی چون مارگارت اتوود، روزان بار، تیر رابینز سوزان سارنلون و شون پین و فیلسوفانی همچون اسلوی ژیزک به پارکی که معترضان در آن جمع شده‌اند، رفته و ما مردم ابراز همراهی کردند. «براد پیت» معترضان وال‌ال‌استریت را نمایندگان ایجاد تغییر و تحول در آمریکا نامید و گفت: «به نظر من، آنچه امروز شما شاهد وقوع آن در آمریکا هستید، اعتراض به سیستمی است که نتوانسته به ما (مردم آمریکا) به خوبی خدمات ارائه دهد؛ سیستمی که به عنوان مثال به جای برآورده کردن



رولینگ استونز: «جورج کلونی»، بازیگر نامدار سینمای آمریکا اعتراف کرد، پس از جراحی که هنگام بازی در فیلم «سیربانا» در سال ۲۰۰۵ برایش به وجود آمد، تصمیم گرفته بود به زندگی‌اش پایان دهد. وی گفت: «در آن زمان به این نتیجه رسیده بودم که دیگر امکان زندگی در چنین شرایطی وجود ندارد و واقعا نمی‌توانستم زندگی کنم. در بیمارستان روی تخت بودم و قادر به هیچ حرکتی نبودم. حدود سه هفته دچار سردردهایی بودم؛ انگار دچار سکت مغزی شده بودم. برای همین دنبال راهی می‌گشتم تا به زندگی‌ام پایان بدهم.»

ادب‌و هنر

نظر



کلی ترقی

نویسنده

هر سه ماه یک بار که به ایران می‌آیم و سری به کتابفروشی‌ها می‌زنم، کتاب جدیدی در قفسه‌ها نمی‌بینم. ترجمه‌هایی انجام شده اما کتاب‌های تالیفی اندکند. کتاب‌های من خوشبختانه آنهایی که اجازه پیدا کردند، چاپ شوند مجدداً هم تجدید چاپ شده‌اند. کتاب جدیدم با نام «اتفاق» چاپ نشد و توضیحی هم ندادند. فقط گفتند که چاپ نمی‌شود. داستان کتاب پیرامون سرنوشت یک خواهر و برادر دوقلوست که یک داستان ساده است و هیچ جنبه سیاسی یا خلاف دینی در این داستان وجود ندارد که باعث شود داستان غیرقابل چاپ باشد اما به من گفتند که این کتاب چاپ نمی‌شود. شاید باز هم برای چاپ کتاب پیگیری کنم اما از دوستانم هم که سراغ می‌گیرم کسی کتاب جدیدی چاپ نکرده است. قسمت عمده مشکلات ما این است که کتاب‌ها مجوز

اعتراض هنرمندان به کاهش بودجه خرید آثار هنری از سوی دولت

سهم هنرمندان از خرید آثار نصف شد

پرویز براتی



این هنرمند پیشکسوت، این بودجه برای ارتقای سطح هنر تخصیص یافته و مایه تعجب است که حالا به نصف کاهش یافته‌است.

او در ادامه اضافه می‌کند: «هنرمندان به کارگزاران هنری اعتماد دارند تا کار درست را انجام دهد. ما خیلی هنرمند بیکار داریم. الان هنرمندان جوان در مضیقه هستند بنابراین انتظار داریم به این موارد توجه کنند.»

یوسا و جایزه ادبی دیگر

شرق: دانشگاه سن لوییس طی مراسمی رسمی جایزه ادبی سن لوییس را به ماریو بارگاس یوسا – نویسنده پرویی برنده نوبل ادبیات–اعطا می‌کند. یوسا مهم‌ترین ترانه‌سرا «طراح گرافیک برجسته از کشور سوئیس– است که تاکنون بیش از ۳۰۰ رمان، نمایشنامه و مقاله ادبی را به نگارش درآورده است.

در کتابفروشی‌ها خبری نیست

نمی‌گیرند و در کتابفروشی‌ها فقط کتاب‌های قدیمی دیده می‌شود. تیراژ کتاب‌ها هم بستگی به نویسنده دارد. نویسندگان جوان معمولاً کتاب‌هایشان در هزار نسخه، قدیمی‌ترها در سه هزار نسخه و افرادی که شناخته‌شده‌تر هستند شاید تیراژ کتاب‌هایشان به پنج هزار نسخه برسد که این آمار در مقایسه با کتاب‌های خارج بسیار پایین است. مثلاً در کشور فرانسه که من در آنجا زندگی می‌کنم و مهد کتاب است تنوع بسیاری را در زمینه کتاب مشاهده می‌کنم ضمناً فرانسوی‌ها خیلی کتاب می‌خوانند و در اتوبوس، مترو یا هر جای دیگر همه مشغول کتاب خواندن هستند و در آمریکا هم همین‌طور است. مردم این کشورها کتابخوان هستند و در مورد کتاب‌های معروف صحبت می‌شود و همین امر باعث می‌شود مردم با آثار آشنا شوند و به مطالعه آنان تشویق شوند. تنوع در زمینه چاپ کتاب‌ها در میزان مطالعه تاثیرگذار است. مشکل گرانی کاغذ هم از مشکلات دیگر این حوزه است. به ناشران کاغذ نمی‌دهند با تمام این صحبت‌ها به نظرم وضعیت کتاب خیلی بد است.

مجلس، دستگاه‌های دیگر مکلفاند آثار هنری را خریداری کنند» جمشید حقیقت‌شناس، نقاش و عضو شورای عالی خانه هنرمندان ضمن اشاره به اینکه بودجه در نظر گرفته شده برای خرید آثار هنری (یک‌دهم درصد از نیم‌درصد) از نگاهی کلی بودجه اندکی است اما معتقد است این بودجه باز هم در شرایط کنونی غنیمت است و می‌تواند امیدوارکننده باشد. او البته مشکل را به شکل دیگری می‌بیند: «مشکل اینجاست که ما اول دنبال پول می‌رویم و بعد خرید می‌کنیم در حالی که باید دید چه چیزی خرید می‌کنیم و بعد بودجه درخواست کنیم! این روش، غلط است. با این بودجه می‌خواهند به جامعه هنری کمک کنند در حالی که جامعه هنری خودش کمک‌کننده است. با تجربه‌ای که از سال‌های گذشته داریم، می‌دانیم که بودجه‌ای را اختصاص می‌دهند و به جایی نخواهد رسید. بخشی از آن در این میان حیف و میل می‌شود، مگر اینکه ببینند با این بودجه چه کار می‌خواهند انجام دهند و بعد به مجلس ببرند. یعنی اول باید برآورد اولیه‌ای از بودجه خرید آثار صورت گیرد و بعد از مجلس درخواست کنند.» این نقاش عقیده دارد این بودجه، جنبه حمایتی دارد و بدترین شکل حمایت از جامعه هنری است. هنرمندان این‌گونه حمایت‌ها را نمی‌خواهند. این بازی‌ای است که سال‌ها همه را درگیر کرده و تاکنون نقش سازنده‌ای در هنرهای تجسمی نداشته است.

اعتراض هنرمندان

کاهش بودجه خرید آثار هنرهای تجسمی به نیمی از یک دهم‌درصد، واکنش هنرمندان مختلف را در پی داشت. بسیاری از این هنرمندان البته مایل به ذکر نام‌شان نیستند اما معتقدند معاونت هنری معمولاً خریدهایش را از هنرمندانی «خاص» به عمل می‌آورد؛ هنرمندان مهم‌ها و سیاست‌های بخش تجسمی و هنری وزارت ارشاد.

نادر عباسی نیامده رفت

فارس: حسین پارسایی، مدیرعامل بنیاد رودکی در مورد «نادر عباسی»، رهبر مهپهان ارکستر رودکی که بدون اجرا تهران را ترک کرد ضمن تکذیب شایعات مربوط به او گفت: دعوت از نادر عباسی در ادامه برنامه‌های بنیاد رودکی بود. او از به عنوان یک شخصیت فرهنگی و رهبر مسلمان ارکستر قطر دعوت به عمل آمد.»

حسین علیزاده: ردیف، سرمایه نوازنده است

می‌کند. تکنیک در نوازندگی چیزی است که باید تا ۲۰ سالگی آن را به دست آورد. در ادامه مراسم بعد از پخش بخشی از بادهانوازهای حسین علیزاده، این هنرمند بیان کرد: زمانی اثری به وجود می‌آید که دیگر نه تو، همانی و نه دیگر اثر مال توست. گاهی اتفاقاتی در ذهن، دست و قلب آدمی می‌افتند که دیگر دست من نیست و گویی مشترک است، یعنی قطعه متعلق به همه است. گاهی لازم نیست، نقاش، تابلو را کامل بکشد، چراکه می‌تواند با دو خط مفهومش را برساند و حرفش را بزند. همیشه برایم سخت است که وقتی می‌خواهم به صحنه بروم چیزی را از قبل با خودم قرار گذاشته باشم. دوست دارم خود را رها کنم و خیلی در قید و بند این نیستم که شنونده لذت ببرد یا نبرد. البته بیشتر این تجربه‌ها را از خارج از ایران می‌کنم، چون در ایران تعصب زیاد است. این آهنگساز افروز، هر مغوله را باید شنیدم. باید شیفته حس آنها شوی نه اینکه از آنها از آن استفاده و کج‌ان را کنار بگذاری.



نمایشگاه نقاشی «روبربرو» سمیرا علیخان‌زاده با استقبال مردم و به خصوص چهره‌های شاخص تجسمی و سینمایی، در گالری اثر آغاز به کار کرد. این ششمین نمایشگاه انفرادی این بانوی نقاش ایرانی است. رخشان بنی‌اعتماد که یکی از ده‌ها چهره شاخص در میان دیدارکنندگان پرهش از نقاشی‌های «روبربرو» علیخان‌زاده بود، درباره این بانوی نقاش گفت: من همیشه نقاشی‌های سمیرا علیخان‌زاده را دوست داشتم‌به به دلیل نگاهی که یادآور از دست‌رفته‌ها می‌شود و فکر می‌کنم خودمان هم یک توهم بیشتر ببینیم و جزیی از آنها محسوب می‌شویم. ما هم روزی مثل تمام چیزهای دیگر به خاطر مها می‌بودیم و فقط یادی باقی می‌ماند مانند اسم‌هایی که او در آثارش از شخصیت‌های عکس آورده که هر کدام یک خاطره است.

کلیه کوچک‌من

سیاره‌های تنهایی – قسمت دوم (۸۵)

■ من آدم‌هایی را به نوارسانده‌ام که اگر شما مسوولیت‌شان را بدانید خنده‌تان می‌گیرد. به‌طور مثال یک ادارای داریم در پلیس شهری لس‌آنجلس. من رییس این اداره را به کار گرفت‌ام. از طریق کی؟ از طریق پسر ۲۵ساله‌اش که معناد است. در کار ما، این کانال‌ها نقش اساسی دارند. وقتی قانون می‌گوید نه نمی‌شود، ما با همین کانال‌ها کاری می‌کنیم که بگویند چرا نمی‌شود؟ بفرما! من به توصیه این جوان نوشته تو را خواندم و فهمیدم در یک سیاره پرت‌ویلا تنهایی، ممکن است بگویی من تنها نیستم. همفکران من هم هستند. اما اشتباه نکن. همفکران من در کنار تو نیستند. هرکدام آنها هم در یک سیاره سرگرداند. حالا چرا این را می‌گویم؟ به خاطر اینکه اگر از یک عده که با هم هستند کاری برنیامد، این نشان می‌دهد که آن عده، با هم نیستند. در کنار هم هستند و هرکدام‌شان در یک گوشه‌ای از دنیا سر به کار خود فرو برده‌اند. درست مثل خود تو. پیشنهاد می‌کنم یا از سیارات خارج شوی یا همان‌جا یک پل به دنیا می‌زن. من از قلم تو خوشم اما نمی‌توانم از همین قلم، کلی کار بکشم. کاری که از خود تو ساخته نیست.» از او به خاطر دلسوزی‌اش تشکر می‌کنم و می‌پرسم: دیگر از من نمی‌پرسید ساعت چند است؟ این را که می‌گویم، نگاه سردی به من می‌اندازد و پاسخ می‌دهد: تو هم متوجه تیک عصبی من شده‌ای؟ جوان که درجا پیاده‌روی می‌کند، از زمین‌دوست می‌پرسد: شما هیچ لاس‌وگاس رفته‌اید؟ زمین‌دوست پاسخی به او نمی‌دهد. جوان از بی‌توجهی او دلخور می‌شود و به سیاره تنهایی خود‌بازی می‌گردد.

واکنش

توضیح مدیر گالری سیحون

■ در پی جریانات خبری پیش‌آمده در چند هفته اخیر، نادر سیحون، مدیریت گالری سیحون هرگونه توقیف یا جمع‌آوری نمایشگاه نقاشی شش‌روین پاشایی را از طرف مسوولان مرکز هنرهای تجسمی تکذیب می‌کند و اعلام می‌دارد که نمایشگاه نقاشی شش‌روین پاشایی، پس از صلاح‌دید مدیریت گالری، از دو هفته به یک هفته اجرا مبدل شد.

ادامه از صفحه ۱۴

آثاری شرافتمندانه در فضایی رنگ‌باخته

بخشی از این موارد هم برمی‌گردد به تسلسل نه‌چندان طولانی تاریخی که این کارگردان طی کرده است. اولین تجربه خصوصی به چشم می‌آید، لحن میدان عمل مناسبی در اختیارش قرار گیرد و قصه خوبی داشته‌باشد در برگردان تصویری می‌تواند موفق باشد. اساساً معتقدم این سینما برای فضای عمومی و هنری جامعه ما در تکرار گرای مخاطب سینمایی مورد نیاز است. مشروط به اینکه سیاست‌گذاران بسترسازی منطقی در جهت تکاملی سینما فراهم کنند و این امر مستلزم شناسایی آدم‌هایی است که تجربه لازم را دارند. نتیجه منطقی این نوع سینما پوشش دادن به وجه هنر– صنعت است که بتواند فضای بی‌هنری و بی‌انگیزگی سینمای ما را از بین ببرد. ویژگی دیگری که در آثار سبروس الوند علاوه بر کار که در بخش خصوصی به چشم می‌آید، لحن اجتماعی آثارش است. شکل نگاه او با توجه به پایگاه خانوادگی و شکل‌گیری شخصیتش به صورتی است که در عین بیان معضلات به تلخ‌اندیشی نهایی منجر نمی‌شود و در انتهای اثر افاق دید خوشبینانه‌ای در اختیار مخاطبان می‌گذارد. او زمانی هم که قالب ملودرام را انتخاب می‌کند به معضلات جامعه شهری و فردیت شخصیت‌ها می‌پردازد. در نهایت هم معضلات را بدون خلع سلاح کردن مخاطب با یک افق روشن تمام می‌کند. در تلم آثر او لایه‌های اجتماعی در حد و اندازه خودش وجود دارد و این نشان می‌دهد که الوند نسبت‌به جامعه خودش منفعل نیست.فیلم‌هایی چون «چهره»، «یک بار برای همیشه» و«رسنگاری در هشت و بیست دقیقه» و تا حدودی «برگ برنده» توجه او را به جامعه پیرامونش نشان می‌دهد. در این آثار او با اکتا به قلم کشاش دارد. گرایش اجتماعی داشته‌باشد. آمیختگی روایت، قصه و شخصیت‌ها کار هر کسی نیست. الوند تسلط لازم به زبان سینما را دارد و در صورتی که تریبون مناسبی دریافت کند بدون اینکه به شعارگویی منجر شود، می‌تواند فیلم‌های موفقی بسازد. شکل قاعده‌مند سینمای کلاسیک مبتنی بر قصه است و الوند نیز اصرار دارد که از این اصول و قواعد پیروی کند.امری که به خودی خود بد نیست و همراه با تالشی است که در لایه زیرین قصه به معضلات اجتماعی آن بپردازد. او به‌عنوان فیلمساز کارنامه‌ای دارد که نشان‌دهنده هوشمندی است. او سرگرمی، تعلیق، حادثه‌پردازی و اصول را رعایت می‌کند. هرچند الوند می‌تواند در سینما موفق باشد و لزومی نداشت جذب تلویزیون شود و سریالی بسازد که تنها در قسمت‌های محدودی از سبروس الوند موفق در سینما شانه‌هایی داشته‌باشد و در مجموع هم سرال موفقی به شمار نرود. تجربه نشان داده است که او در سینما موفق‌تر است و می‌تواند در همین رسانه به موقع فیلمی بسازد که هم از لحاظ بازگشت سرمایه موفقی باشد هم مخاطب را نادیده نگیرد و از شعور مخاطب سوءاستفاده نکند.